بسم الله الرحمن الرحیم درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری 3 بهمن 1394.

بحث در مورد موثقه جمیل بود که در آن وارد شده بود **« لا یکون الرد علی زوج و لا زوجه»** و روایت دیگری روایت های زیادی که وارد شده است که اگر هیچ وارثی وجود نداشته باشد غیر از زوج، علاوه بر نصفی که به بالتسمیه می برد نصف دیگر را هم ردا می برد. خب اینها را چه جوری با هم دیگر اولا این دو تا ذاتا ناسازگار هستند یا نیستند و اگر ناسازگار هستند آیا اینها قابل جمع است یا نیست؟ دوتا تفسیر برای این عبارت در کلمات علما وارد شده است. اول این دو تا تفسیر در مورد روایت جمیل. آیا ذاتا می خواهند بگویند آن دو تا تفسیر به این معنا است؟ ممکن است. ظور ابتدایی ندارد یا اینکه جمع بین این روایت و سایر روایات اقتضا می کند که این روایت به این معنا حمل بشود. یک مقداری ابهام در کلمات آقایان هست که مراد از این تفسیر ها که هست تفسیر ذاتی است یا تفسیر بالجمع است؟ آن دو تا تفسیر یکی اش این هست که ما بگوییم این روایت مراد، صور متعارفه است. مراد آن صورت های متعارفه است که علاوه بر زوج، کس دیگری هم وجود دارد. اما آن صورتی که غیر از امام علیه السلام هیچ کس دیگری وجود ندارد آن را ناظر نیست. مرحوم مجلسی ثانی در ملاذ الأخیار جلد 15 صفحه 273 در مورد این ... جمیل فرموده بودند که محمولً علی ما اذا کان معه غیره. این یک تفسیر. یک تفسیری دیگر، تفسیری هست که شیخ طوسی در تهذیبین مطرح کرده است و آن این است که مراد از ردی که در این روایت هست، ردّ به مناط رحمیت هست. ردی هست که آیه شریفه قرآن اولوا الارحام بعضکم لبعض دال بر او هست. می گوید آن رد اختصاص به غیر زوج و زوجه دارد. اما حالا قسمتی از مال را یک دلیل دیگری قائم باشد به زوج یا زوجه بر گردانده شود آن منافاتی با این روایت ندارد. روایت رد به مناط رحمیت را نفی می کند.

سوال: ظهور ذاتی ندارد؟

پاسخ: حالا عرض کردم. در مورد اینکه آیا ظهور ذاتی دارد یا ندارد جمعا می خواهند این وجه را بفرمایند کلماتشان یک ابهامی دارد که این دو وجه را ذاتا می خواهند بگویند این احتمال دارد یا به جهت جمع عرفی روایت ها را به این معانی حمل می کنند.

سوال:

پاسخ: یعنی ردی که منشأ آن رحیم بودن باشد. حالا اجازه بدهید توضیح می دهم صبر کنید.

این وجهی که مرحوم شیخ طوسی فرموده است. کأنه شیخ طوسی می خواهد بگوید که این روایت ناظر به آیه شریفه است. چون ما در آیه شریفه یک بحث، یعنی دو سری آیه در مورد ارث داریم. یک سری آیه بحث **«اولوا الارحام بعضهم اولی ببعض فی کتاب الله.»** از این آیه استفاده می شود که مناط ارث رحیمیت است. خب یک سری آیات دیگری هم هست که این آیات یک حقوق مشخصی برای افراد تعیین کرده است. زوج چه مقدار می برد و زوجه چه مقدار می برد. پسر و پدر و مادر در شرایطی که در مورد پدر و مادر گفته شده است چقدر می برند. خب در جایی که یک فرضی تعیین شده باشد و تسمیه شده باشد ملاک این تسمیه است. اگر تسمیه نباشد آن آیه اولوا الارحام بعضکم اولی لبعض، آن آیه ملاک است. در واقع این روایت می خواهد تعیین کند که اگر در جایی فرضی نبود آیه اولوا الارحام اختصاص به خویشاندان نسبی دارد. خویشاندان سببی داخل در اولوا الارحام نیستند. کأنه تفسیر آیه می خواهد بکند که خویشاوندان سببی آن آیه اولوا الارحام که در فرض نبودن تسمیه، مدار بر او هست او خویشاوندان نسبی را شامل می شود و خویشاوندان سببی را شامل نمی شود. اینجا البته یک مطلبی در مورد این حمل به نظر می رسد و آن این است که اگر ما بگوییم یک موقعی این حمل را به همین شکل بدوی مطرح می کنیم، خب این یک مطلبی وجود دارد و آن این است که اگر بخواهد روایت صرفا بیان کند که آیه قرآن نمی گیرد آن را. ولی یک دلیل دیگر هم داریم که آن را می گیرد. این خیلی خلاف ظاهر است که بگوییم از جهت عملی تفاوت ندارد. حالا آیه قرآن بگیرد یا نگیرد ولی یک دلیل دیگر داشته باشیم او را شامل بشود، مجرد اینکه مشمول آیه نباشد خیلی ثمره ای ندارد. این روایات عمدتا برای بیان تکلیف عملی مردم اند. اگر تکلیف عملی مردم تغییر نکند یعنی به هر حال فرض کنید زوج این نصیبش می شود حالا به آیه باشد یا به غیر آیه این چه تفاوتی دارد یعنی چه نکته ای دارد که بخواهیم بگوییم فقط ناظر به آیه است و در حالی که از جهت عملی تفاوت ندارد کأنه این خیلی خلاف ظاهر است و یک نوع جمع عرفی تلقی نمی شود. من فکر می کنم شاید اگر تفسیر شیخ را هم مطرح می کنیم، این تفسیر را با یک چیزی ضمیمه اش کنیم و آن این است که این آیه، درست است که تفسیر آیه را می خواهد بکند در مقام بیان فرد متعارف است. در متعارف موارد، اینکه به زوج و زوجه چیزی نمی رسد، یعنی در واقع ما اینجور بیان کنیم که این روایت می خواهد فرد متعارف را بگوید. می خواهد بگوید که در فرد متعارف این آیه شریفه شامل زوج و زوجه نمی شود. یک موقعی ما می گوییم که این روایت ناظر به همه صور مسئله است، می گوییم در همه صورت های مسئله آیه شریفه زوج و زوجه را می گوید به او رد نمی شود. به مناط آیه شریفه رد نمی شود. خب بحث این است اگر همه صورت ها را می گیرد به مناط آیه رد نشود از اجماع امامیه رود شود. روایات رد شود. مثل همین می ماند. مجرد اینکه زوج و زوجه را نگیرد خیلی چیزی ندارد نکته ای نیست. عبارت شیخ را اینجوری توجیه کنیم که این فروض متعارف را ناظر است. در فروض متعارف علاوه بر زوج و زوجه کسان دیگری هم وجود دارند. این فرض نادری که هیچ کسی نیست و فقط امام علیه السلام هست این روایت نسبت به او سکوت دارد نه اینکه او را شامل می شود می گوید من حیث الایه شامل نمی شود. یعنی حکم حیثی، یعنی بگوییم ردی که از آیه هست، او شامل نمی شود شاید خیلی خلاف ظاهر باشد. این اجمال بحث حالا تفصیلش را بعد عرض می کنم.

سوال: .. برگشتش می شود به همان؟

پاسخ: به آن وجه نمی خواهیم تخصیص بزنیم. بحث تخصیص نیست. می خواهیم بگوییم از اول این ناظر به فروض متعارف است. می خواهد بگوید که در فروض متعارف در واقع بیان تفسیر آیه را می کند چون آیه ناظر به فروض متعارف است. یعنی بیان تفسیر آیه می خواهد کند. می خواهد بگوید که این آیه ای که فروض متعارف را شامل می شود این آیه زوج و زوجه را نمی گیرد. اما اینکه در غیر این مورد آیه چیز دیگری هم وجود داشته باشد او ناظر نیست. یعنی کأنه این از اول، فرض کنید مواردی که یک تفسیری برای آیه وارد می شود. آیه می گوید مثلا نماز باید الله اکبر داشته باشد رکوع و قنوت و سجده داشته باشد. اما یک موقعی که کسی دارد تلف می شود و در دریا دارد غرق می شود و یک الله اکبر می گوید اصلا آیه ناظر به این جهت نیست. فرض کنید می گوییم «و ان المساجد لله» معنایش این است که شما موقع سجده کردن باید بر پیشانی سجده کنید. این در روایات ما ذیلش وارد شده است دیگر. و ان المساجد لله مراد مساجد سبعه است. خب این می گوید آیه قرآن ناظر به صور متعارفه است. می گوید در صور متعارفه باید سجده بر پیشانی باشد. اما اینکه حالا در یک صورت نادری هم وجود داشته باشد که من نمی توانم سجده را بر پیشانی کنم آنها حکم مسئله چیست از اول سکوت دارد. نه اینکه از اول همه فروض را می خواهد بیان کند با این حال فقط می گوید آیه را شامل نمی شود یک دلیل دیگر هم مثلا ممکن است شامل بشود. از اول روایت می خواهد مفاد آیه را تعیین کند، مفاد آیه ای که ناظر به فروض متعارف است. اینجوری بیان کنید. بنابراین مانعی ندارد که بگوییم این روایت فقط می خواهد مفاد آیه را تبیین کند. خب حالا توضیحاتی دارد که بعد عرض می کنم توضیح بیشتر آن را.

اینجا مرحوم محقق اردبیلی ایشان تصریح می کند که در دو مرحله بحث می کند. یک مرحله اینکه اصلا روایت جمیل که خب ایشان از جهت سندی هم اشکال به آن دارد، این روایت جمیل از جهت دلالی، دلالتش تام نیست ذاتا و اگر هم ذاتا تام باشد، قابل تأویل است. هر دو را اشاره دارد. اما اینکه ذاتا تام نیست ایشان می گوید ممکن است این روایت ناظر به صورتی باشد که وارثی همراه زوج باشد. و ناظر به آن صورت باشد همان مطلبی که مرحوم مجلسی در ملاذ الاخیار باشد ایشان می گوید که این روایت محتمل است معنایش این باشد. بعد یک ذیلی دارد. می گوید الآن نمی دانم با یؤیّدُ تعبیر کرده است یا یشهد تعبیر کرده است الآن تعبیرش را دقیق یادم نیست. ایشان می گوید که این جا گفته است لا یکون الرد علی زوج و لا زوجه. تنوین بر کلمه رد به کار نبرده. نگفته است لا یکون الردٌ علی زوج و لا زوجه. به صورت منوّن قرار نداده است. این شاهد بر این هست که این دلالت ندارد. ایشان همین مقدار عبارت را بیان کرده است. اینکه ایشان چه می خواهد بگوید من احتمالات مختلفی در موردشان به ذهنم می رسد. یک مطلب اینکه ایشان می خواهد بگوید که اگر روایت در مقام بیان عمومیت حکم بود، می خواست بگوید که در تمام صور ردی بر زوج و زوجه نبود از قالب نکره در سیاق منفی که دال بر عموم است استفاده می کرد. نکره در سیاق نفی دال بر عموم است و اینکه این قالب را انتخاب نکرده است که قالب طبیعی در اینجور موارد برای دلالت بر عموم است، الف و لام قرار داده است این کأنه خودش دلیل بر این هست که نمی خواهد عمومیت حکم را در جمیع صور بیان کند. این یک بیان. تقریب دوم برای کلام مرحوم محقق اردبیلی این هست که ایشان می گوید تنوین نیاورده است و الف لام آورده است. الف لام ممکن است مراد از الف لام، الف لام عهد باشد. اشاره به یک نوع خاصی باشد. و چون اشاره به نوع خاصی است کأنه لا یکون الرد معهودی دارد. و آن معهود ممکن است رد در صور متعارفه باشد که یک وارثی علاوه بر زوج هم وجود دارد. این را کأنه از باب اینکه الف لام، می تواند الف لام عهد باشد بیان کرده است. این هم دوجور.

یک احتمال سوم این هست که ایشان بخواهد اینجوری بیان کند که لا یکون الرد علی زوج و لا زوجه کأنه اصل رد مسلم است. اصل رد مسلم است. می خواهد بگوید این رد مسلم و مفروق، این بر زوج و زوجه نیست بر غیر است. اگر همین جوری می گفت لا یکون ردٌ علی زوج و لا زوجه، از آن استفاده نمی شد که یک شیء مسلمی را در موردش صحبت می کند. یعنی در واقع ایشان می خواهد بگوید که الف لام الرد، دال بر تعریف و وجود خارجی داشتن این رد است کأنه اصل رد مسلم است و می گوید که این ردّ که مسلم است این رد، یعنی ثبوت شیء لشیء فرع لثبوت المثبت له. اصل اینکه رد تحقق دارد مفروق عنه است و در مورد اینکه این رد مفروق عنه به چه کسی است این روایت ناظر است. پس بنابراین درجایی که اصلا این مفروقش در جایی که اگر، به امام تعبیر رد نمی کنیم، در جایی که اصلا رد شدن یا نشدن محل تأمل است، معلوم نیست که به زوج رد می شود یا به امام داده می شود که دادن به امام را رد تعبیر نمی کنند این روایت ناظر به آن نیست.

سوال: عین آن است؟

پاسخ: نه این عین آن نیست. بحث الف لام به عهد بودن کاری نداریم.

سوال: مفروق عنه بودن....

پاسخ: مفروق عنه بودن به خاطر این هست که معنای الف و لام این هست که یک ردی تحقق دارد، خارجیت دارد نه اینکه معهود است. معهود یعنی الف لام اشاره به یک شیء خاصی دارد.

سوال: رد مفروق عنه را از کجا...

پاسخ: یعنی همینکه این الرد، این ردی که می دانیم در خارج تحقق دارد. این ردی که می دانیم در خارج تحقق دارد ربطی به الف لام عهد ندارد. به عهد بودن الف لام ناظر نیست.

سوال: ......

پاسخ: بحث این است که یک ردی تحقق دارد. یک موقعی شما می گویید که یک ردی معهود است، این می خواهد بگوید که آن رد معهود، بر زوج و زوجه است.

سوال:... زوج و زوجه

پاسخ: این غیر از آن است. این بیانی که من می خواهم بگویم اصلا به آن ربطی ندارد. نه بحث این است که یک عهدی وجود دارد و آن عهد می تواند یعنی در موارد متعارف، الرد الموجود فی الموارد المتعارف فی زوج و... . اصلا به متعارف و غیر متعارف کاری نداریم. بحث در این است، الف لام عهد کأنه یک موقعی ما می گوییم که الف لام، الف لام عهد است. یعنی ناظر به الرد الموجود فی الموارد المتعارفه، این یک جور است. یک جور دیگر این است که می خواهیم بگوییم که یک ردّی خارجا وجود دارد ممکن است از همان تعریف الف لام استفاده بشود ولی تعریف الف لام غیر از اهد است. می گوید یک ردی که خارجیت دارد. این ردی که خارجیت دارد کجا است؟ یک عبارتی در کشف اللثام است، من فکر می کنم عبارت کشف اللثام می خواهد این تفسیر را بیان کند و ناظر به به این تفسیر است. البته نه اینکه بخواهد عبارت مرحوم محقق اردبیلی را معنا کند. ولی تعبیری دارد که من تعبیر را می خوانم. می گوید که

**و احتمال الخبر أنّه لا ردّ عليهما إذا وجد وارث غيرهما بل يخصّ بالردّ**

می گوید خبر محتمل است که اینجوری معنایش باشد که اگر وارثی وجود داشته باشد به اینها رد نمی شود و به دیگران رد می شود. کأنه اصل رد مسلم است. اما اینکه به چه رد می شود، این در مقام بیان موضع رد است. اینکه به چه کسی رد می شود؟ آیا به زوج و زوجه رد می شود یا به وارث دیگر؟ می گوید نه به اینها رد نمی شود کأنه به دیگران رد می شود.

سوال: بل یخصّ؟

پاسخ: یخص به آن وارث غیرهما بر می گردد. «و احتمال الخبر أنّه لا ردّ عليهما إذا وجد وارث غيرهما بل يخصّ»، آن وارث غیرهما بالرد. به این ها نمی دهیم به دیگران می دهیم. کأنه اصل رد مسلم است اما به چه کسی باید رد بشود این معلوم نیست. این می خواهد بگوید که به اینها رد نمی شود به دیگران رد می شود. حالا ادامه عبارت کشف اللثام را هم بخوانم بد نیست. کشف اللثام هر دو وجهی که در جمع بین روایات هست اشاره می کند. وجه اول همین و احتمال الخبر أنّه لا ردّ عليهما إذا وجد وارث غيرهما بل يخصّ بالرد و انه

یک احتمال دیگر

**لا رد علیهما للرحم**

ردّ بر آنها به جهت رحم نیست.

**فهو المتبادر من الرد، و هو لا ينافي أن يحوز المال كلّه**

ایشان می گوید که یک احتمال دیگر این است که این ردّی که می گوید الرّد، مراد این هست که رد مناط رحمیت، این رد به مناط رحمیت به زوج و زوجه داده نمی شود. ایشان می گوید که چون متبادر است کلمه رد، ردی است که به مناط رحمیت باشد. این مانعی ندارد که از جهت دیگری ایشان می گوید که خلاصه رد با مال را حیازت کردن فرق دارد. یک موقعی ما می گوییم به زوج و زوجه رد می شود، رد آن مالکیت مال هست که به مناط رحمیت باشد. اما مطلق مالکیت و حیازت مال این رد نیست. لااقل متبادر رد نیست. لغتا درست است که به آن رد اطلاق می شود. ولی این ردی که در این روایت او هست انصراف دارد به ردی که به مناط رحمیت باشد.

سوال: آن ... باعث این انصراف می شود؟

پاسخ: حالا می گویم انصراف به چه جهت است.

انصراف را دو جور می شود تعبیر کرد. یک جور این است که خود کلمه رد بگوییم با توجه به آیه قرآن که اولوالارحام بعضهم اولی ببعض، این رد انصراف دارد به ردی که از آیه اولوا الارحام استفاده می شود. به کلمه ردی که آن کأنه ناظر به آیه قران است و انصراف به آیه قرآن دارد و اینجوری. یک جور دیگر این هست که به کلمه الف و لام آن تکیه کنیم. بگوییم الرد، چون الف لام دارد، الف لام عهد است. این رد ناظر به عهد معهود است. یعنی ردّی که آیه قرآن دال بر او هست. رد مدلول علیه بالقرآن. که همان کلامی که مرحوم شیخ طوسی در تهذیب دارد. عیب ندارد عبارت شیخ طوسی را من در تهذیب بخوانم یک مقداری روشن تر می شود که شیخ طوسی چجوری در تهذیب فرموده است.

سوال: در استبصار هم حاج آقا نزدیک به همین است

پاسخ: بله تهذیب و استبصار مثل هم هست.

عبارتش مشخص است. می خواستم از روی آن بخوانم که پیدا نکردم. ایشان می خواست بگوید ردّی که به آیه الوا الارحام. رد به آیه اولوا الارحالم. اینها عبارت های کشف اللثام و اینها در واقع همه توضیحات کلام شیخ طوسی است. در واقع می خواهد بگوید آن شیخ طوسی که می خواهد بگوید رد اولوا الارحام عرض کردم حالا یا به جهت اینکه رد را ناظر به آیه قرآن می دانند یا به جهت اینکه الف لام آن را الف لام عهد بگیرند و ناظر به قرآن و امثال اینها هم بگیرند.

سوال: عبارت کشف اللثام فرمودین با انّه یا الانه

پاسخ: و انّه.

سوال: خب این را احتمال دومش را شما گرفتید؟

پاسخ: بله بله احتمال دوم.

سوال: ممکن است ....... تفسیر باشد؟

پاسخ: نه نه اصلا. للرحم، اصلا نکته اش این است. و انه لا رد علیهما للرحم. این للرحم نکته اش است. این اشاره به کلام شیخ طوسی است.

سوال: للرحم یا بالرّحم؟

پاسخ: حالا بالرحم هم باشد فرقی ندارد. للرّحم مال من که للرحم است. للرحم یعنی لکونه رحما. ردی که به مناط رحمیت باشد که آیه اولوا الارحام بعضهم اولی ببعض به او دلالت می کند. خب بگذریم حالا. حالا واقعیت امر این است که شاید مشکل باشد که ما ظهور این روایت را در تعمیم از اول بپذیریم. نمی خواهیم ظهور در بگویم حتما ظهور در چیز دارد. یک ظهور در تعمیمی روایت ندارد. تعبیری آقایان می کنند واحتمال الخبر. اینکه این روایت به چیزی بیشتر از صور متعارفه ناظر باشد قدر متیقن آن ناظر به صور متعارفه است. اما صورت متعارفی که هیچگونه کسی غیر از زوج و زوجه نباشد با این عبارت بخواهند آن صورت نادر را بیان کنند آن ظهور ندارد در تعمیم قدر متیقن آن همین مقدارها است و تعبیری که ایشان می کند و احتمال الخبر انه لا رد علیهما اذا وجد وارث غیرهما. احتمال. همینجور هم هست. نمی خواهیم بگوییم که ظهور در اختصاص دارد. ولی ظهور در تعمیم هم ندارد. همان قدر متیقنی که در این روایت هست، قدر متیقن آن ناظر به فروض متعارفه است. اینکه بخواهد صور غیر متعارفه را شامل بشود خیلی ظهور ندارد و اگر هم ظهور داشته باشد حمل آن بر یکی از این دو معنایی که گفته شده است خیلی حمل بعیدی نیست و دیده ام در بعضی کلمات آقایان به عنوان حمل های بعید ذکر کرده اند.نه، هیچ کدامشان حمل هایشان بعید نیست البته با توضیحاتی که در مورد حمل شیخ دادم که یک مقداری باید چاشنی متعارف بودن را هم در آن وارد کرد تا یک مقداری استقراب اینکه چطور هست که صرفا بخواهد یک بحث علمی که در عمل تأثیر ندارد را بیان کند تا آن نکات ضمیمه اش نشود این اشکالی که احیانا به ذهن می رسد گاهی اوقات به نظر می رسد. البته یک مطلبی در کتاب الانوار الوامع فی شرع مفاتیح الشرایع مرحوم شیخ حسین بحرانی آل عصفور، که عبارت ایشان را هم بخوانم بد نیست. ایشان در مورد عبارت می گوید که

**و حمل تارة على التقيّة لموافقته لمذهب العامّة حيث لا يورثونه إلّا نصيبه في الكتاب و لا ترد عندهم على أحد و يجوز حمله**

من این که این را حمل بر تقیه کنیم حالا این را فعلا اشاره اجمالی کنم، خالی از بعد نیست چون سنی ها اصلا زوج و زوجه خصوصیت ندارد. اینها وقتی که، به خصوص زوجه هیچ خصوصیت ندارد اصلا بنات و به این جور چیزها هم رد نمی کنند ظاهرا اینجور که در ذهنم است. اینها اگر وارثی نبود به عصبه می دهند. بحث تعصیب مطرح است و امثال اینها. لا یکون الرد علی زوج و لا زوجه یعنی یک خصوصیتی در این زوج و زوجه است.

سوال: آنها اگر عصبه نباشد بیت المال و اینها دارند.

پاسخ: در یک مرحله عصبه و مرحله بعدی بیت المال.

غرض من این هست که اصلا اصل رد را آنها به این معنایی که ما قائل هستیم منکر هستند. رد به وارث ها و اینها را قائل به آن معنا نیستند ظاهرا آن جوری که در ذهنم است. حالا این بحث تقیه، بحث چیزی است که من باید یک مقداری مراجعه کنم من حالا دقیق یادم نیست بحث آن را. آن ذیلش را می خواهم بگویم

**و يجوز حمله على ما إذا كان مع أحدهما وارث من القرابة يرد عليه و قد جاء في تلك الأخبار ذلك التقييد حيث قال في كثير منها «يعني إذا لم يكن معه غيره».**

کأنه ایشان می خواهد بگوید که حمل مطلق بر مقید اینجا ما می کنیم در یک سری روایات این تقیید به اینکه این اذا لم یکن معه غیره، وارد شده است. کأنه از اول این عبارت مطلق هست و در بعضی از این روایات، در کثیری از این روایات این تقیید آمده است. اشاره به این هست که یک مطلقی هست که باید کأنه بر این مقید، اذا لم یکن معه غیره، حمل بشود. یک همچین تعبیری هم ایشان اینجا دارد. علی ای تقدیر حالا ایشان غرضشان از آوردن این جمله چیست ولی هم حمل این روایت، چه حمل شیخ طوسی و چه حمل مرحوم مجلسی ثانی در ملاذ الاخیار هر دو اینها از سنخ حمل بر متعارف هست و مانعی هم ندارد و خوب هم هست و اشکالی در موردش نیست.

سوال: ببخشید این مطلقی که گفتید نسبت به افراد غیر متعارف ظهوری ندارد این به خاطر اینکه روایات... یا نه کلا ..

پاسخ: نه، ذاتا اینجا ها نه اینکه به طور کلی ظهور نداشته باشد. ببینید حالا یک نکته ای را اینجا ضمیمه کنم و آن این است که شبیه همین لا یکون الرد علی زوج و لا زوجه، در بعضی روایت های چیزهای عامه هم وارد شده است. یکی از روایت ها، روایت جمیل بن دراج روایتی است که در مباحث عامه مطرح شده است که با تعبیر روایت عبدی از آن یاد می شود آهان عبارت شیخ طوسی را که می گفتم

**اینجا می گوید قال الشیخ فی الاستبصار فَلَا يُنَافِي الْأَخْبَارَ الْأَوَّلَةَ لِأَنَّا لَا نُعْطِي الزَّوْجَ الْمَالَ كُلَّهُ بِالرَّدِّ بَلْ نُعْطِيهِ النِّصْفَ بِالتَّسْمِيَةِ وَ الْبَاقِيَ بِإِجْمَاعِ الطَّائِفَةِ الْمُحِقَّةِ وَ لَا نُعْطِيهِ بِرَدٍّ يَقْتَضِيهِ ظَاهِرُ الْقُرْآنِ كَمَا يَقْتَضِي فِي كَثِيرٍ مِنْ ذَوِي الْأَرْحَامِ‌**

کأنه الرد، انصراف دارد به ردی که از قرآن استفاده می شود. ردی که به مناط رحمیت است. این رد در اینجا نیست. اما اینکه ما به رد نمی دهیم. لا نعطی الزوج المال کله بالرد. بل باجماع الطائفه، رد را یک معنای خاصی برایش اینها، ولو طائفة معنای خاصی برایش اراده کرده اند.

یک روایت عبدی هست که فضل بن شاذان این روایت را تصحیح هم کرده است. در جامع احادیث. متأسفانه نقل نکرده است این را در جامع احادیث. در کتب فقهی معمولا این را آورده اند. به هر حال در یک روایتی در مورد زوج و زوجه، می گوید که زوج و زوجه، زوج از نصف بیشتر نمی شود از ربع کمتر نمی شود. زوجه هم از یک چهارم بیشتر نمی شود از یک هشتم کمتر نمی شود. نه، کأنه رد دارد و نه نقص دارد. لا یرد علیه النقص و لا رد. نه نقص و نه رد دارد. روایت عبدی حالا پیدا نکردم. در تهذیب نقل شده است و فضل بن شاذان هم می گوید که هذا حدیث صحیح علی موافقة الکتاب. ذیل آن عبارت فضل بن شاذان هم ذکر شده است و امثال اینها. آن روایت هم که می گوید نه کم می شود و نه زیاد می شود، اینها نظار به این فروض...

این لا یکون الرد علی زوج و لا زوجه مفادی که در آن روایت هست، یعنی فرضی را دارند می گویند، این فرض که یک عده ای وارث وجود د ارند، این یک عده وارث صحبت این است که، یعنی می تواند ناظر به آن فرض متعارفی باشد که در روایات هست از این کم نمی شود زیاد نمی شود، ناظر به صورتی که اصلا هیچ کس دیگری غیر از زوج و زوجه نباشند کأنه ناظر به این روایت به این صورت ممکن است نباشند.

سوال: حاج آقا دعائم الاسلام؟

پاسخ: نه غیر از آن در تهذیب هست. راوی نهایی اش هم عبدی است.

سوال: در ملاذ الفقیه

پاسخ: بله.

همان است. همان روایتی که فضل بن شاذان نقل می کند با سلسله سند. و قال الفضل بن شاذان و ذیل آن این است که هذا صحیح علی موافقة الکتاب و این چیزها. به نظر در تهذیب هم هست این روایت در تهذیب لا یزادان علی ال...

اینجا متأسفانه ذکر نکرده است و من پیدا نکردم. نقل نکرده است در حالی که مناسب بود در این باب ذکر می کرد. مفاد این روایت و مفاد روایت عبدی و اینها آن صورت های متعارفی که این صورت هست که کأنه مال این کم نمی شود مال دیگران، یعنی اصل کم و زیاد مال جاهایی است که کم و زیاد مطرح است، می گوید مال این کم و زیاد نمی شود و مال دیگران کم و زیاد می شود. اما جایی که اصلا بحث کم و زیادی نیست بحث این است که اگر به این ندهند باید به بیت المال یا امام المسلمین بدهند و امثال اینها ناظر به این صورت ها نیست. تعبیر کردم بل یخصّ بالردّی که معنای صاحب کشف السان تعبیر می کند، این ها می خواهند بگویند یک همچین ردی را.

به نظر می رسد که اینها یک جمع عرفی دارند و هیچ مشکلی بین اینها و سایر روایات نیست به یکی از این دو وجهی که عرض کردیم. جمع عرفی نداشتند چه کنیم این را حالا فردا توضیح می دهیم و یک مقداری آنجا بحث می کنیم بعد می رویم در بحث بعدی زوجه منفرد و روایت هایی که در بحث زوجه منفرد نخواندیم.

نکته ای را فردا هم به تناسب عرض می کنم در این بحث که اگر جمع عرفی نداشته باشیم چه باید بکنیم

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد(ص)